

هشدار به پاسداران

فرهنگ کهن ایران

ناشی ز وجود فکر خام است
هشدار که حلقه‌های دام است !
کاین زمزمه‌ها بر آن نیام است (۱)

تغییر زبان و خط بهر عذر
و ندر پس طرح این چنینی
تبع دگری در آستین است

چندی پیش برای چندمین بار ماجرای تغییر و تبدیل و ترمیم خط فارسی بشکل داغ موضوع روز شد و صفحات برخی از جراید به این بحث اختصاص یافت .

اکنون که موسم مناظره «تغییر خط» سپری شده و تب داغ آن فرونشسته است و افکار مردم بیش از هر وقت دیگر آماده پذیرفتن حرف منطقی است و چون بحث ما هم به «تغییر خط پهلوی و تبدیل آن به خط عربی» رسیده است طرح این مسئله لازم می‌نماید . و امید است سرانجام این بحث به

هر چند وقت یکبار ، بحث داغ و دامنه - داری راجع به تغییر خط فارسی درمی‌گیرد، مبارزه بین طرفداران فکرهای مختلف شروع می‌شود . این بحثها بشکل موسمی آغاز می‌گردد ، به مرحله داغ می‌رسد بعد هم در اثر گذشت زمان به بوته فراموشی فرومی‌رود و سروصدای آن بکلی می‌خوابد تا بار دیگر نوپردازی ا به اشاره بیگانان یا بر اثر حماقت ذاتی برای آزمون میزان مقاومت پاسداران فرهنگ دست به بدعت تازه‌ای بزند آنوقت باز تغییر خط موضوع روز می‌شود .

(۱) قسمتی از اشعار : ابراهیم ناعم.

نقطه‌ی ختم‌شود که دور از احساسات ناسالم ،
مصاحبت جامعه ایرانی را دربرداشته باشد .

طرفداران تغییر خط حسن نیت ندارند
اندیشه‌تغییر خط فارسی ، اندیشه تازه‌ای نیست
بلکه از روزگاران دیرین عده‌ای از علما و
دانشمندان اسلامی طرفدار تغییر خط فارسی بوده‌اند
و بعضی از آنان خط جدیدی هم از خود اختراع
کرده بودند. چنانکه می‌نویسند : «احمد بن طیب
سرخسی، شاگرد «یعقوب بن اسحق کندی» فیلسوف
معروف اسلام (مرگ ۲۵۲هـ) که حدود هزار و
یکصد سال پیش از این می‌زیسته است (۲) (۲۱۸)
هجری تولد آخر قرن سوموفات» خطی از خود
اختراع کرده بود دارای چهل حرف که با آن
می‌توانست تمامی کلمات عربی و فارسی و سریانی
و رومی و یونانی را بنویسد که درست خوانده
شود ، (۳)

و همچنین «ابوریحان بیرونی» (۳۶۴ - ۴۶۰هـ)
از جمله کسانی بود که از مشکلات خط فارسی
شکایت می‌کرد ، ولیکن در دو قرن اخیر تغییر خط
بیش از قرنهای گذشته طرفدار پیدا کرده است و
حتی اخیراً در بعضی از کشورهای همسایه این موضوع
عملی شده است .

ولی چیزیکه هست ، طرفداران تغییر خط در
ادوار گذشته حسن نیت داشتند و واقعاً دلسوز فرهنگ
اسلام بودند و حرف هم از خودشان بود می‌خواستند
قدسی مؤثر برای تسهیل کارنوشتن و خواندن بر-
دارند. متأسفانه در این دو قرن اخیر ماجرای تغییر
خطمانند بعضی از مسایل حساس دیگر ، جنبه سیاسی
پیدا کرده است . و واقع امر آنست که طرفداران
تغییر خط آگاهانه یا ناآگاهانه به استعمار کمک
می‌کنند . آنچه در این یکی دو قرن به موضوع تغییر
خط جنبه سیاسی میدهد ، پیوستگی آن با تاریخ
استعمار است . و آنچه امروزه این مطلب را روشنتر
می‌سازد اینست که در میان طرفداران تغییر خط در
دو قرن اخیر ؛ افراد شناخته شده و معلوم الحال
زیاد دیده می‌شود که جز به اجازه استعمارگران
دهان باز نمی‌کنند و بقول بعضیها حرکتشان از خودشان
نیست و بادسیاست بر قامتشان دمیده است . (۴)

البته نباید نادیده انگاشت که در میان طرفداران
تغییر خط در دو قرن اخیر ، افراد خوش نیت و
باذوق و صاحب فهم هم بوده‌اند ولی بیگمان آنان هم
گول خورده و اغفال شده‌اند .
امروز کیست که نداند این نقشه ، نقشه استعماری
است ؟ و بدینوسیله می‌خواهند زبان و ادبیات و

(۲) فهرست ابن‌الندیم صفحه ۳۷۹

(۳) اصلاح یا تغییر خط فارسی : مجتبی مینوی

(۴) مثالیکی از پیشکسوتان تغییر خط «میرزا ماکلم خان» است آن مرد مرموز و مارکدار که آنهمه
تلاش می‌کرد و فریاد می‌زد : «بانک‌های اروپائی را اجازه بدهید در ایران شعبه باز کنند . خارجی‌ها را
بگذارید بیایند ، بیایند کشور را آباد کنند از آنها ترسیده آیا استعمار غیر از این است استعمار یعنی
آباد کردن !!

و شبه اروپائی بارآمده اند و آنچه را که استاد ازلی شان بگویند و بکنند ناخود آگاه می کنند و می گویند . این گروه مخالف تمام شئون و آداب و سنن ملی و فرهنگ و تمدن ایرانی می باشند و در راه هدف و مقصد شوم و پلیدی که دارند تا آنجا که می توانند در نابودی آثار و مظاهر ملی می کوشند ، در اینجا چند جمله از مقاله یکی از پرچمداران سرسخت تغییر خط و تبدیل آن به حروف لاتین را می آوریم تا الگوئی در دستمان باشد . او بعد از ذکر تاریخچه طرفداران تغییر خط (۵) و تعریف و تمجید از آنان ، به پاسداران فرهنگ ایرانی تاخته ، چنین نوشته است :

«... مخالفین تغییر خط هر دقیقه دم از ذخائر ملی می زنند و ابراز حسرت میکنند و حال اگر تمام کتب خط و باستانی را رویهم بریزند حتی هزار جلد پیدانمی شود که بدرد امروز بخورد . اغلب آنها ارزش علمی و تاریخی خود را از دست داده و در عصر کیهانی با وجود اکتشافات جدید و علوم تازه قابل توجه نبوده و منسوخ اند مانند : نجوم ، هیئت ، جغرافیا ، طب ، تلمس ، کیمیا ، سیمیا ، سحر و جادو ، نیرنگ ، دعا ، رمز ، اصطراب و مسخ ، تعبیر خواب ، فالگیری ، غیبگوئی ، ستاره شناسی و اعتقاد به سعد و نحس و از این قبیل اباطیل و خرافات .

ملیت ما را از بین ببرند و رابطه ما را با گذشته خودمان و با همسایگان همکیش قطع کنند .

ولذا بعضی از آنان همینکه به خطا و اشتباه خود پی برده اند با کمال صراحت به گناه و اشتباه خود اقرار و اعتراف نموده حرف سابق خود را پس گرفته اند . چنانکه «سید حسن تقی زاده» را دیدیم در رساله «مقدمه تعلیم عمومی» و «جوب تغییر خط فارسی و تبدیل آن به خط لاتینی را با اصرار زیاد پیشنهاد کرد ولی پس از چند سال بموجب اعتراف و استغفاری که از ایشان در مجله «یادگار» منتشر شد از نظریه خود عدول کرد و تازنده بود تغییر خط را به دلائل متعدد ، مضرو خطرناک می دانست ،

طرفداران تغییر خط آگاهانه یا نا آگاهانه باستعمار کمک می کنند :

حال باید دید کسانی که اصرار به تغییر خط فارسی دارند چه نوع خطی را می خواهند جایگزین رسم الخط فعلی سازند . دو ستداران تغییر خط ، در اینکه این خط باید عوض شود همه ، هم عقیده هستند ولی از نظر اینکه چه خطی را انتخاب کنند بدو گروه تقسیم می شوند :

۱- گروهی طرفدار خط لاتینی می باشند . اینان از آنگونه روشنفکرانی هستند که بقول تقی زاده : « از فرق سر ، تا ناخن پافرنگی شده اند»

(۵) ناگفته نماند نویسنده مزبور در ذکر اسامی طرفداران تغییر خط دچار اشتباهاتی هم شده است او اشخاصی را از طرفداران تغییر خط ذکر کرده است که آنان مخالف تغییر خط بودند فی المثل ایشان و پورداوده زردشتی متعصب را از جمله طرفداران تغییر خط شمرده در صورتیکه هر گاه به کتابهای او مراجعه می کرد ، می دید او نیز از مخالفین تغییر خط است : گامها : سرودها : فضل : دین دبیر صفحہ ۱۶-۱۷

آنها صفاً ۳۶-۳۷-۳۸ مقاله تغییر خط

دیگر با وجود علوم معاصر و اختراعات بیشتر
موردی برای اشغال ذهنی و فکری با این آثار منسوخه
و از اعتبار افتاده نمانده است « (۶)

و اینکه نویسنده ، ذخائر گرانقدر ما را بطور
تحقیر آمیزی بیادسخره می گیرد و بتخریب و تضعیف
فرهنگ غنی و پر ثمر ایران کوشش می نماید و حدود
۴۰۰ هزار نسخه خطی که در کتابخانه های دنیا
داریم (۷) آنها را نادیده می گیرد زیاد تعجب آور
نیست و در چنین فضائی که نسل خود باخته پوگو بیگانه
نمای ما با هوای غرب نفس می کشند و کالاعای
فکری و ذوقی وارد شده غرب را مصرف می کنند .
بیش از این چه انتظاری ؟ !!

و چون اینان عقاید و افکار مغرضانه خود را
نمی توانند بطور روشن و صریح آشکار کنند از اینرو
در هر زمان پرده ای بر روی هدف اصلی خود می-
کشند و بعنوان دلسوزی نغمه سازمی کنند و میگویند:
فرا گرفتن الفبای فارسی سخت دشوار است و فرزندان
مانمی توانند به آسانی خواندن و نوشتن فارسی را
یاد بگیرند لاقلاً سه سال وقت ایشان در آموختن خط
فارسی تلف می شود در صورتیکه با خط لاتین این کار
بعد از پنج یا شش ماه آموزش ، عملی میشود . باز
میگویند: امکان دارد با تغییر الفباء دانشگاههای
جهان زبان فارسی را بعنوان زبان خارجی تدریس
کنند .

البته این حرفها بطوریکه خواهیم گفت هیچکدام
درست نیست و این غرب زده ها هیچوقت دلسوز

برای فرزندان این آب و خاک نیستند و بدینوسیله
میخواهند به اربابان خود خدمتی بکنند
هدف و غرض شوم و خطرناک استعمارگران
را در جامعه ماعملی سازند . زیرا وقتیکه ایرانی
دید حرف زدنش و نوشتنش جز بزبان و خط بیگانه
امکان ندارد و خودش دارای خط و زبان نیست ،
احساس می کند که یک نیمه وحشی بوده که تمدن
فرنگی و چسبیدنشان به فرنگ او را آدم کرده
است و پیداست مردمی که به این تصور خوی گرفته
باشند در خود قدرت انتقاد و اجتهاد نمی بینند بی
اراده به این سو و آن سو کشانده می شوند.

۲ - دومین دسته از طرفداران تغییر خط می-
گویند : باید خط میخی را بجای خط فارسی
گذاشت ! و اینان در این باره بقدری اصرار دارند
که کارت تبریک خود را هم علاوه بر فارسی به حروف
میخی چاپ می کنند و برای هم می فرستند !

انگیزه این آقایان در تغییر خط فارسی به میخی
اینست که می گویند : الفبای ما بازبان شیرین
فارسی هماهنگی ندارد . این خط با زمانه جا برانه
نفوذ نژاد عرب بر ایرانی بوده و بهیچوجه از ذخائر
ملی محسوب نمی شود . خط کنونی ما بدون
تکامل زیاد بصورت اولیه خود باقی مانده
است .

این گروه همان ناسیونالیست های افراطی و
منفی یاف هستند که در تاریخ تمدن و فرهنگ ایران ،
حقوق واقعی اسلام و مسلمانان صدر اول را نادیده

(۶) اطلاعات ۵۱/۲/۱۸ شماره ۱۳۷۹۰ از مقاله دکتر خلیل آذر

(۷) ۵۱/۴/۱۷ و ۱۳۸۴۲ طبق تصریح دکتر مهدی محقق

کتیبه که با خط میخی نوشته شده ، چیز دیگری نخواهد بود. این بریدن ما از تاریخ است و بریدن از فرهنگ ، و بیگانه کردن نسل آینده با منابع اصیل فرهنگی است و آنوقت تاریخ ما ، تاریخ باستانی مرده ای می شود که در اعماق قرون و یادرون ویرانه ها مدفون می باشد فقط باستان شناسان می توانند از آن استفاده کنند .

برای استعمارگران اروپائی تعجب آور است ایرانی بانیان و گذشتگان خود ارتباط تاریخی و فرهنگی داشته باشد چنانکه دکتر ریاحی رایزن ، طی بیانات خود که در دانشکده ادبیات «استامبول» ایراد کرده می گوید: «آنچه برای اروپائیان تعجب آور است اینست که امروز در ایران مردم آثار ۱۲۰۰ سال پیش را بخوبی میفهمند . » (۸)

« ادامه دارد »

می گیرند و روی تعصب شدید با هر چیزیکه رنگ عربی دارد مبارزه می کنند و چون رسم الخط فارسی روز اول از عربی گرفته شده ، در نظر اینان بیگانه است باید از بین برود .

ممکن است کسی تصور کند این فکر دیگر ، فکر و نقشه استعماری نیست بلکه طرفداران این عقیده مارا به احیای سنتهای قومی و رسوم و آداب بومی و ارثی فرامی خوانند استعمار را از این چه سود ؟ ولی با کمی دقت و تأمل معلوم می شود این نقشه هم نقشه استعماری است . و اگر بنا باشد ما ایرانیها با خط میخی بنویسیم کم کم نسبت به خط و زبان فرهنگ ملی کنونی خودمان که تمام گنجینه های علمی و ادبی ما با آن نوشته شده است گاه لا بیگانه می شویم و در این صورت ذخائر تاریخی و میراث گرانقدر گذشتگان ما بجز چند

نادانترین مردم

امیر مؤمنان علی (ع) میفرماید :
 لا تجهل نفسك فان الجاهل معرفة نفسه جاهل بكل شیء
 ، « از خود بیخبر مباش ، که از خود بیخبران از همه چیز بی خبرند ! »